



نقش اسناد بین المللی و حقوق بشری در تحول کیفر حبس و جایگزین حبس

زینب ریاضت*

چکیده

کیفر واکنش رسمی جامعه در برابر ارتکاب جرم است که ناظر بر ویژگی رنج آور بودن، صعب و ناخوشایند بودن است که به دلیل نقض مهم ترین هنجارها و قواعد اجتماعی بر مجرم تحمیل می گردد. اهمیت کیفر در مجموعه سیستم عدالت کیفری بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که وجه ممیز اصلی نظام حقوق کیفری از دیگر نظام های کنترل اجتماعی در ماهیت کیفری ضمانت اجرای آن است.

کیفر از گذشته تا امروز همواره در صدد ارائه پاسخ به بزهکاری به منظور برقراری مناسب نظم و امنیت در جامعه بوده است. اما بنا به دلایل متعدد از جمله برخی از عوامل تأثیرگذار در عرصه اجتماع، فرهنگ، سیاست و اقتصاد، نوع و میزان کیفر با تحولاتی همراه شده است. اما تحولات کیفر صرفاً به عواملی داخلی در یک کشور محدود نیست و در این میان اسناد بین المللی و حقوق بشری و همچنین تحولات جهانی نیز در تحول کیفرها تأثیرگذار بوده و به طور مستقیم و غیرمستقیم در این تحول نقش آفرینی نموده اند که نوشتار حاضر با توجه به مطالعه اسناد بین المللی و قوانین داخلی و بررسی این تأثیرگذاری مبتنی بر این فرضیه که اسناد بین المللی ضمن ارائه استانداردها و هنجارهایی بیش از همه بر تحول کیفر حبس و جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران تأثیرگذار بوده است به ارائه راهبردها و استانداردها مطابق با اسناد مذکور می پردازد که در صورت توجه قانونگذار می تواند موجبات تحولات آتی کیفر حبس و جایگزین حبس را در صورت تطبیق با استانداردهای جهانی فراهم سازد.

واژگان کلیدی:

تحول کیفر، حبس، جایگزین حبس، اسناد بین المللی.

* دکترای حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه.
پست الکترونیک: z_riazat@yahoo.com



مقدمه

با توجه به محدودیت های اعمال کیفر حبس، سیاست حبس زدایی دستگاه قضا و همچنین متناسب سازی مجازات ها که اخیراً در ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است تحول کیفر حبس و جایگزین حبس در اولویت قرار گرفته و نیازمند توجه جدی است. مطابق اسناد بین المللی نیز راجع به برخی از انواع مجازات ها، حداقلی هایی مطرح شده است که باید در طراحی یا اعمال مجازات به آن توجه نمود. این حداقل ها ممکن است ناظر به حقوق مجرمین، ویژگی های اعمال کنندگان مجازات، شرایط و امکانات زندان، فرآیند دادرسی و غیره باشد. هر کشوری بنابر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود باید حتی المقدور بیشترین میزان از این استانداردها را رعایت و عنداللزوم مطابق این استانداردها به تغییر و تحول مجازات ها مبادرت ورزد. ناظران حقوق بشر نیز در ارزیابی میزان رعایت این استانداردها از سوی کشورها، به این شرایط توجه دارند. از سویی رویه های مطلوب و قابل توصیه که سازمان ملل به کشورها در زمینه مجازات ها پیشنهاد می دهد نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم از رویه های داخلی کشورهای مختلف اقتباس شده اند. این رویه ها معمولاً عملی و کاربردی هستند و از بیان مطالب انتزاعی و کلی اجتناب می شود. توصیه این رویه ها به معنای اجرای دقیق آن از سوی کشورهای دیگر نیست؛ بلکه با هدف معرفی الگوهای موفق در رعایت حقوق بشر در حوزه مجازات هاست که با توجه به بررسی اسناد حقوق بشری مجازات حبس و جایگزین های حبس مورد توجه ویژه واقع شده است که در ادامه به بررسی آن می پردازیم:

۱- تأثیر گذاری اسناد بین المللی بر کیفر حبس

راجع به نقش اسناد بین المللی مرتبط با کیفر حبس، به اسناد متعددی می توان اشاره کرد.^۱ نخست سند اول مربوط به بیانیه نهایی نخستین گسترش سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و درمان مجرمین است که در تاریخ ۲۲ آگوست تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۵ در شهر جنوا در کشور سوئیس برگزار شد.^۲ این بیانیه بعدها توسط شورای اقتصادی و اجتماعی و قطعنامه صادره از این شورا به شماره ۲۰۷۶ مورد اصلاحات قرار

۱. جهت مطالعه رجوع کنید به: انصاری، باقر، اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران: نشر خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵ و امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین الملل حقوق بشر، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

2. First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Geneva, 22 August-3 September 1955: report prepared by the Secretariat (United Nations publication, Sales No. 1956.IV.4), annex I.A; amended by the Economic and Social Council in its resolution 2076 (LXII) (addition of section E, entitled "Persons arrested or imprisoned without charge").

گرفت و در نهایت با عنوان «استانداردهای حداقلی برای تعامل با مجرمین» در تاریخ ۱۹۵۶ به چاپ رسید. این سند از بخش‌های متعددی تشکیل شده است. بخش اول این سند به اصول اساسی حاکم بر اجرای مجازات زندان که شامل دو «اصل عدم تبعیض در مجازات دهی»، «اصل احترام به باورهای مذهبی و اخلاقی ای» که زندانیان خود را متعلق به آن می‌دانند می‌شود. همچنین در این بخش به نحوه ثبت اطلاعات مربوط به زندانیان که شامل «اطلاعات مربوط به هویت آن‌ها»، «اطلاعات عنوان اتهامی که به خاطر آن به حبس محکوم شده‌اند» و «اطلاعات دقیق زمان شروع و خاتمه حبس» می‌شود.

در قسمت بعدی این بخش، به لزوم طبقه‌بندی و دسته‌بندی مجرمین بر اساس «جنسیت»، «سن»، «سابقه مجرمانه» و «نوع جرم» تأکید می‌شود.^۳ در قسمتی دیگر از این بخش به ویژگی‌های مطلوب محل اقامت (مخصوصاً محل استراحت و خواب) اشاره داشته و بر وجود استانداردهای مشخصی از «نور»، «تهویه»، «گرمایش» و «سرمايش»، «فضای مناسب» و غیره تأکید می‌کند. در این قسمت تأکید می‌شود که پنجره‌ها و سیستم نور طبیعی یا مصنوعی باید به اندازه‌ای باشد که زندانیان برای مطالعه یا انجام کارهای شخصی ایشان مشکلی نداشته باشند.

قسمت بعدی از بخش اصول اساسی، در خصوص بهداشت شخصی^۴ زندانیان است. در این قسمت در خصوص «آب آشامیدنی»، «سیستم توالت» و «بهداشت بدنی زندانیان» نکاتی ذکر شده است. در قسمت‌های بعدی در خصوص لباس، غذا، ورزش و نرمش، خدمات پزشکی، رژیم‌های انضباطی و تنبیهی داخل زندان، سیستم‌های مربوط به برقراری ارتباط زندانیان با خارج از زندان جهت گرفتن اطلاعات و اخبار، ایجاد سازوکارهای لازم برای استیفای حق زندانیان نسبت به شکایت و اعتراض به نحوه مدیریت زندان، سیستم‌های مربوط به نگهداری اموال مربوط به زندانیان، اطلاع‌رسانی به نزدیکان و اقرباء زندانی در خصوص بیماری، مرگ یا انتقال وی از یک زندان به زندان دیگر ضوابط و استانداردهای معینی بیان می‌شود.

بخش دوم سند فوق در خصوص اصول حاکم بر «دسته‌های خاص از زندانیان»^۵ است. در این بخش نیز استانداردهای دو دسته «محکومین» و «متهمین» به صورت جداگانه ذکر شده است. در خصوص اصول حاکم بر مجازات محکومین، استانداردها شامل «اصول پایه‌ای مجازات زندانیان»، «نحوه تعامل با آنان»، «طبقه‌بندی و فردی سازی آنها»، «سیستم امتیازدهی»، «کار»، «آموزش و سرگرمی»، «ارتباطات اجتماعی» و

3 . Separation of categories.

4 . Personal hygiene.

5 . Rules Applicable to Special Categories.



«مراقبت های پس از خروج» زندانیان ذکر می شود. در همه این بخش ها، حقوق حداقلی مجرمین در موارد مختلف موردبرجستگی قرار گرفته و از این حقوق می توان اصولی را استخراج نمود که بر طبق اصول کلانی چون اصل کرامت ذاتی قابل توجیه هستند. هدف ما اولاً احصاء این حقوق، ثانیاً استخراج اصول حاکم بر این حقوق و ثالثاً توجیه و تبیین این حقوق بر اساس اصول کلانی چون اصل کرامت انسانی یا دیگر اصول اخلاقی و حقوق بشری و رابعاً نقد و بررسی این اصول و مبانی حاکم بر آن اصول است.

همان طور که اشاره شد بخش عمده ای از سند فوق الذکر ناظر به امور شکلی کیفر حبس است.^۶ اما ضروری بودن، هدفمند بودن و متناسب بودن مجازات حبس (بند ۵۸) و همچنین غلبه رویکردهای بازپروری بر رویکرد بازدارندگی (بندهای ۵۹ و ۶۰) بازپروری کامل مجرم جهت بازگشت مطمئن به جامعه (بند ۶۲) و فردی سازی (شخصی سازی) مجازات حبس در راستای اصل انعطاف کیفر (بند ۶۳) در این سند مورد توجه قرار گرفته است که در بازنگری مجازات ها باید مطمح نظر قرار گیرد.

۶. برخی از اصول مندرج در بیانیه نهایی نخستین گسترش سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و درمان مجرمین: ثبت مشخصات کامل همه زندانیان از قبیل اطلاعات مربوط به هویت، دلایل توجه اتهام به مجرم و زمان و ساعت پذیرش زندانی و آزادی وی (بند ۷)، حاکم بودن اصل طبقه بندی و رتبه بندی زندانیان بر اساس جنسیت، سن، سابقه مجرمانه، عنوان اتهامی. (بند ۸) راحت بودن شرایط زندگی در زندان (اسکان هر نفر یا حداکثر دو نفر در یک اتاق برای استراحت در شب) (بند ۱۰)، سالم بودن شرایط زندگی در زندان (کافی وسالم بودن نور، تهویه، گرمایش و سرمایش و غیره) (بند ۱۱)، کافی بودن امکانات رفاهی و بهداشتی داخل زندان. (بند ۱۳)، در دسترس و مهیا بودن امکانات بهداشتی (بند ۱۵)، غیر انسانی یا تحقیرآمیز نبودن لباس زندانیان (بند ۱۷)، شباهت حداکثری زندگی در زندان با زندگی بیرون زندان (بند ۲۰ و ۶۰)، ارائه خدمات ویژه برای زندانیان با شرایط خاص (بند ۲۲)، وظیفه مقامات زندان نسبت به ارائه خدمات بهداشتی، پزشکی و رفاهی بدون مطالبه زندانیان (بند ۲۵)، قاطع و هدفمند بودن رژیم های انضباطی و تنبیهی زندان (بند ۲۷)، ممنوعیت به کارگیری زندانیان در رژیم های انضباطی (بند ۲۸)، ابتناء مدیریت داخلی زندان بر مبنای رویکرد «خودگردانی» (بند ۲۸)، قانونی بودن رژیم های انضباطی زندان (بند ۲۹)، شفاف و دقیق بودن رژیم های انضباطی زندان (بند ۲۹)، قبح عقاب قبل از دفاع کامل (بند ۳۰)، ممنوعیت تنبیه های مغایر با کرامت انسانی (بند ۳۱ و ۳۳)، ممنوعیت تنبیه از طریق کاهش یا محدود نمودن رژیم های تغذیه ای (مگر آنکه اینگونه رژیم ها با وضعیت جسمانی مجرم سازگار باشد) (بند ۳۲)، حق بر ارتباط با خارج از زندان به صورت حداکثری (بند ۳۷)، حق بر ایجاد تسهیلات و امکانات لازم جهت ارتباط با دنیای خارج از زندان (بند ۳۸)، حق بر مطلع بودن از اخبار و اطلاعات خارج از زندان (بند ۳۹)، تشویق زندانیان به مطالعه و مهیا نمودن زمینه های آن (بند ۴۰)، بهره مندی حداکثری زندانیان از مناسک مذهبی یا آموزه های دینی خود (بند ۴۱ و ۴۲)، برقراری امنیت و ایمنی کامل در زندان (بند ۴۳)، امانتداری در نگهداری و مواظبت از اموال زندانیان (بند ۴۳)، مطلع نمودن نزدیکان زندانی نسبت به شرایط خاص وی از قبیل مرگ، بیماری یا انتقال وی از یک زندان به زندان دیگر (بند ۴۴)، اصل علنی نبودن آزادی یا انتقال زندانی (بند ۴۵)، با کیفیت بودن خدمات پرسنل زندان (بند ۴۷)، آشنایی و اطلاع کامل پرسنل از وظایف عمومی و خاص ایشان (بند ۴۷)، لزوم استفاده از همه متخصصین لازم جهت درمان زندانیان و مدیریت زندان (بند ۴۹)، اصل ابتناء مدیریت زندان بر مبنای گرایشات اکثریت زندانیان یا اقلیت معتنابه آنها (اصل ۵۱)، ممنوعیت به کارگیری زور در تعامل با زندانیان (بند ۵۴)، کنترل مجرمین خشن با استفاده از ابزارهای غیرعنف آمیز (بند ۵۴)، مسلح نبودن پرسنل زندان و اصل عدم استفاده از سلاح بدون آموزش های لازم، بازرسی منظم از موسسات کیفری و زندانها (بند ۵۵)، ممنوعیت محدودیت یا ممنوعیت اضافه بر حق بر آزادی رفت و آمد بر زندانیان (بند ۵۷)، طراحی زندان بر اساس رویکردهای بازپرورانه (بند ۶۳)، مراقبت پس از آزادی (بند ۶۴)، پایدار و عمیق بودن آثار برنامه های بازپرورانه (بند ۶۵)، هدفمند بودن نظام طبقه بندی و فردی سازی زندان (بند ۶۷)، برنامه مند علمی بودن بازپروری (بند ۶۹)، برقراری نظام امتیازدهی هدفمند در داخل زندان (بند ۷۰)، رنج آور نبودن کار زندانیان (بند ۷۱)، متناسب بودن کار زندانیان (بند ۷۱)، مفید بودن کار زندانیان (بند ۷۱)، رایگان نبودن کار زندانیان، شباهت کار در زندان با کار بیرون از زندان (بند ۷۲ و ۷۵)، ایمن و سالم بودن فضای کار زندانیان (بند ۷۴)، اختیار نسبی زندانیان نسبت به نحوه هزینه درآمد خود (بند ۷۶)، هماهنگی نظام آموزشی داخل زندان با نظام آموزشی بیرون از زندان (بند ۷۷)، عدم زندانی یا بازداشت نمودن زندانیان مجنون یا مختل المشاعر (بند ۸۲).



سند دیگری که در خصوص استانداردها و هنجارهای سازمان ملل در باب مجازات ها و تعامل با مجرمین، می توان به آن اشاره کرد، قطعنامه شماره ۱۹۸۴ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل است که در تاریخ ۲۵ می ۱۹۸۴ به تصویب این شورا رسیده است.^۷ این قطعنامه با عنوان کلی «رویه هایی جهت اجرای موثر استانداردهای حداقلی رفتار با مجرمین» چاپ شده است. در این سند به مواردی از قبیل «در دسترس بودن مقامات قضایی و اصلاحی و درمانی برای همه افراد» (۳ Procedure) اشاره داشته و به فرآیند همکاری کشورها با نهادهای نظارتی سازمان ملل در خصوص ارائه گزارش های موردی و منظم در خصوص اصلاح قوانین، مقررات، رویه های داخلی منطبق با اصل «دسترسی حداکثری افراد به عدالت» تأکید دارد. همچنین متقابلاً وظایف سازمان ها و نهادهای مرتبط با سازمان ملل در خصوص نظارت بر کشورها در موارد فوق نیز اشاره دارد. در این سند بیش از آنکه به حقوق مجرمین و اصول حاکم بر آن اشاره شود بر فرآیندهایی تأکید می شود که التزام به آن می تواند تحقق کامل حقوق مذکور را مورد تضمین قرار دهد.

قطعنامه شماره ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل نیز با عنوان «مجموعه اصولی برای صیانت همه افراد از انواع اشکال بازداشت و حبس»^۸ در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ به تصویب رسیده است.^۹ در این سند نیز علاوه بر ذکر مواردی که در اجرای مجازات حبس^{۱۰} مواردی از جمله ممنوعیت مطلق مجازات های غیرانسانی، بیرحمانه،

7. Economic and Social Council resolution 1984/47, annex.

8. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment.

9. General Assembly resolution 43/173, annex.

۱۰. مواردی که در این سند ذکر شده عبارت است از: اصل تفکیک متهمین از محکومین (اصل رفتار با بازداشتیان به عنوان افرادی بیگناه) (Principle ۸)، حق فرد دستگیر شده بر آگاهی نسبت به زمان، دلیل عنوان اتهامی بازداشت وی. (۱۰ Principle)، حق دفاع فرد بازداشت شده از خود (۱۱ Principle)، وظیفه مقامات قضایی و زندان نسبت به متذکر شدن حقوق بازداشتیان و زندانیان به آنها و نحوه استیفای آن. (۱۳ Principle)، حق مجرمین دارای وضعیت خاص نسبت به ایجاد وضعیتی مشابه با دیگر زندانیان (Principle ۱۴)، حق بازداشت شدگان و زندانیان نسبت به آگاهی اعضای خانواده یا دیگر افراد مناسب جهت آگاهی از وضعیت آنان. (Principle ۱۶)، حق افراد (زندانی یا بازداشتی) نسبت به بهره مندی از مشاوره حقوقی و برقرار ارتباط با مراکز مشاوره حقوقی (۱۷ Principle)، حق برقراری مجرم نسبت به برقراری ارتباط (ملاقات حضوری و غیر حضوری) با خارج از زندان، مخصوصاً اعضای خانواده وی، تحت شرایطی که توسط قانون یا مقررات قانونی اجازه داده می شود. (۱۹ Principle)، حق مجرم نسبت به بازداشت یا حبس در محلی نزدیک به مکان معمول وی برای زندگی؛ البته در صورت امکان (۲۰ Principle)، ممنوعیت بازجویی افراد تحت خشونت، تهدید یا دیگر متودهایی که باعث از بین رفتن یا آسیب دیدن قابلیت تصمیم گیری یا قضاوت آنان می شود (۲۱ Principle)، ممنوعیت مطلق آزمایشات پزشکی مضر بر روی فرد زندانی یا بازداشتی (۲۲ Principle)، رایگان بودن مراقبت های پزشکی و درمانی زندانیان (۲۴ Principle)، محرمانه بودن اطلاعات پزشکی مربوط به مجرم (۲۶ Principle)، استفاده نکردن از مدارک درمانی و پزشکی بر علیه خود مجرم (۲۷ Principle)، ارتباط آزادانه و محرمانه زندانیان با بازرسان و ناظران زندانها (۲۹ Principle)، اصل قانونی بودن رژیم های انضباطی زندان و مجازاتهای تبهیبه به خاطر نقض این رژیم ها (۳۰ Principle)، حق دفاع مطلق مجرمین قبل از مجازات شدن (حتی در خصوص رژیم های انضباطی) (۳۰ Principle)، جبران خسارتهای که ناشی از فعل یا ترک فعل های قانونی مقامات زندان بر طبق قانون ملی یا قواعد مطلوب (۳۵ Principle)، اصل برائت مطلق (افراد مظنون به متهم به ارتکاب جرایم باید بیگناه فرض شوند؛ مادامی که جرم آنها طبق قانون در محکمه عمومی که در آن افراد از همه تضمینات دفاعی لازم برخوردارند، ثابت شود) (۳۶ Principle)، حق بر محاکمه در زمان منطقی و معقول (۳۸ Principle)، اصل ممنوعیت استفاده ناروا از اعطای امتیازات به افراد زندانی یا بازداشتی برای اهدافی چون اجبار به اقرار نسبت به ارتکاب جرم خویش یا دیگران (۲۱ Principle).



تحقیق کننده (Principle ۶) ضرورت رفتار با مجرمین بر اساس کرامت ذاتی شخص انسانی»^{۱۱} (Principle ۱) ضرورت بازداشت و زندانی کردن افراد بر اساس تمهیدات قانونی توسط مقامات صلاحیت دار» (اصل حاکمیت قانون) (Principle ۲)، عدم تبعیض در اجرای مجازات ها (Principle ۵)، ضرورت کنترل و نظارت مقامات قضایی بر اجرای استانداردهای مربوط به مجازاتها (Principle ۴) توجه شده است. همچنین وفق اصل غیرقابل اغماض بودن^{۱۲} که در این سند درج شده با توجه به حداقلی بودن استانداردها و هنجارهای سازمان ملل در خصوص مجرمین، رعایت این اصول، برای همه انواع مجرمین و همه اشکال مجازات ها ضروریست و نباید به خاطر شدت جرم و مجازات، از همه یا برخی از این اصول اغماض شود (Principle ۳).

از دیگر اسناد قابل بررسی استانداردهای سازمان ملل در خصوص مجازات و تعامل با مجرمین قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی با عنوان «اصول اساسی در باب رفتار با زندانیان»^{۱۳} است. ^{۱۴} در این قطعنامه نیز اصل احترام به کرامت ذاتی مجرمین، اصل عدم تبعیض در مجازات دهی، اصل برخورداری از حقوق انسانی و آزادی های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی (به جز در مواردی که رژیم های انضباطی زندان اقتضاء جز این دارند) تصریح شده است.

بیانیه کامپالا در خصوص شرایط زندان در افریقا که در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۹۵ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد رسیده است. در این بیانیه علاوه بر تأکید اصول مذکور در اسناد قبلی بر تأثیرات مخرب زندان و ضرورت استفاده حداقلی از آن (بند ۵)، ضرورت توجه ویژه به زندانیان در معرض آسیب مانند کودکان، زنان، بیماران روانی و غیره (بند ۸)، ضرورت آشنایی مردم با جایگزین های حبس و استفاده از راهکارهای غیرکیفری در جرایم خرد اشاره شده است. همچنین در این سند ذکر شده که پلیس و دیگر مقامات تعقیب کننده باید نسبت به مشکلات ناشی از ازدحام زندانها آگاه بوده و با برقراری ارتباط به مدیریت زندانها نسبت به اتخاذ راه حل های مناسب در این زمینه اقدام کنند. (Remand prisoners, بند ۱) دولت نیز باید منابع مالی و مادی لازم برای انجام هر چه بهتر وظایف کارکنان زندانها، فراهم آورد.

سند مهم بعدی در رابطه با استانداردها و هنجارهای مجازات «بیانیه آروشا در زمینه

11 . The inherent dignity of the human person

12 . There shall be no restriction upon or derogation from any of the human rights of persons.

13 . Basic Principles for the Treatment of Prisoners

14 . General Assembly resolution 45/111, annex.

رویه های زندان خوب است»^{۱۵} که در تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۹۹ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد رسیده است.^{۱۶} در این سند تأکید شده است که مدیریت زندان یک مورد از خدمات اجتماعی است و مردم باید در خصوص کارکرد زندان آگاه باشند و اصل شفافیت و پاسخگویی حاکم بر مدیریت زندان و زندانیان است. سند دیگری که در خصوص استانداردها و هنجارهای مجازات ها قابل بررسی است، بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «بیانیه حمایت از همه افراد از این که موضوع شکنجه یا سایر مجازات های بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده قرار بگیرند»^{۱۷} این سند به تصویب مجمع عمومی رسیده است.

در این سند نیز ممنوعیت مطلق شکنجه و مجازات های غیرانسانی (Article ۳) وظیفه دولت ها برای پیشگیری از شکنجه و مجازات های غیرانسانی (Article ۴)، ضرورت نظارت نظام مند و روشمند دولت ها بر زندانها و بازداشتگاه ها جهت پیشگیری از شکنجه و مجازات های غیرانسانی (Article ۶)، ضرورت رسیدگی مطلق به شکنجه (حتی بدون ارائه شکایت) (Article ۹) و ضرورت جبران و اصلاح نتایج حاصل از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی که توسط مقامات عمومی انجام شده است (Article ۱۱) و همچنین اصل عدم استفاده از نتایج رسیدگی به شکنجه و رفتارهای غیرانسانی علیه افراد دیگر (Article ۱۲) مورد توجه قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که اگرچه استفاده بی رویه از مجازات حبس و نبود منابع مورد نیاز برای عملکرد مناسب در زندانها^{۱۸} و انتقادات روز افزون به مجازات حبس سرانجام ضرورت بازنگری در کارایی حبس را روشن نموده و به زعم برخی، زندان محلی ناکارآمد و نامناسب برای اقدامهای اصلاحی یعنی اقدام های آموزشی، روانشناختی و سازگاری اجتماعی است زیرا آموزش برای آزادی در داخل قفس کار بسیار دشواری است^{۱۹} نمی توان انکار کرد که حذف کامل کیفر حبس مقدور نیست و لذا علی رغم رعایت و توجه به موضوع ضرورت اکتفای حداقل، باید تلاش مقتضی جهت ارتقای کیفیت کیفر حبس صورت گیرد. البته اگر به زعم برخی زندان نمی تواند کارکرد اصلاحی داشته باشد، متأثر از اموری است که مهمترین آن این است که اصلاح و درمان فرایندی اختیاری است و نه اجباری. درست است که تا مجرم نخواهد که

15 . Arusha Declaration on Good Prison Practice

16 . Economic and Social Council resolution 1999/27, annex.

17 . Declaration on the Protection of All Persons from Being Subjected to Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

18 . David j. rothman, for the good of all: the progressive tradition in prison reform, history and crime 271 James a. inciardi and Charles e. faupel eds, 1980

۱۹ . جمعی از پژوهشگران، تاریخچه زندان، ترجمه و تحقیق محمدرضا گودرزی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۲.



اصلاح شود، نمی توان او را اصلاح کرد و در نتیجه، اصلاح، بستگی تام به اراده و خواست مجرم دارد و این فقط جسم مجرم است که در اختیار ماست اما اراده و خواست او در اختیار خودش است؛^{۲۰} اما جدا از خواست او در این میان چگونگی تعامل با زندانی و رعایت استانداردهای بین المللی نیز شایسته توجه است و بر تحول کیفیت و کمیت کیفر حبس اثرگذار بوده و باید در تحولات آتی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

۲- تأثیر گذاری اسناد بین المللی بر کیفرهای جایگزین حبس

طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «مجازات های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می شود.»^{۲۱}

مطابق مقدمه بیانیه «کادوما» که در ۷ فوریه ۱۹۹۷ به تصویب کنگره رسیده و بعداً نیز در قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۲۳ در تاریخ ۳۱ جولای ۱۹۹۸ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی رسید، در کنار «بازپروری مجرم» سه دلیل عمده برای انتخاب جایگزین های حبس، ذکر شده است: نخست عدم اثربخشی حبس به خصوص برای مجرمین مشمل حبس های کوتاه مدت، دوم هزینه های اقتصادی بالای حبس برای کل جامعه و سوم جمعیت کیفری بالای زندان ها و نقض شدن کرامت انسانی مجرم در آن.

طبق توجیه اول، عدم اثربخشی حبس به تنهایی برای اعمال مجازات های جایگزین کفایت می کند؛ حتی اگر جایگزین ها نیز از اثربخشی لازم برخوردار نباشند. مقصود از اثربخشی نیز در اینجا عدم ارتکاب مجدد جرم همانند جرم قبلی یا شدیدتر از آن یا ارتکاب جرم در فاصله طولانی تر و خفیفتر است. با این توضیح، جایگزین های حبس عموماً اثر بخشتر از حبس تلقی می شود؛ مگر اینکه جرم ارتكابی بسیار شدید بوده یا مجرم پرسابقه باشد که در این صورت اثربخشی حبس بیش از جایگزین ها است. طبق توجیه

۲۰. حاجی ده آبادی، احمد، تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۰، ص. ۵۰.

۲۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ریاضت، زینب، شمس ناتری، محمدابراهیم و همکاران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۷، صص ۲۰۶-۲۲۴ و محبی، جلیل و ریاضت، زینب، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص. ۴۰۲.

دوم، حبس صرفاً به خاطر وجود هزینه های بالای اقتصادی، نامطلوب تلقی می شود؛ هرچند شاید اثربخشی بالایی داشته باشد. در صورتی که اثربخشی حبس کمی بالاتر از جایگزین های حبس باشد، می توان از اثربخشی اضافی به نفع کاهش هزینه های اقتصادی شد و از سوی دیگر ازدحام بیش از حد زندان ها موجب نقش کرامت انسانی وی شود، سند فوق، دولتها را به بهبود کیفیت زندان ها و جلب مشارکت بخش های مختلف جامعه برای حل مشکلات زندانیان فرا می خواند.

همانگونه که گفته شد که درمان و آموزش مجرم به منظور بازپروری مجرم، هم می تواند در داخل زندان صورت گیرد و هم در خارج از زندان؛ لیکن باید توجه نمود در صورتی که بازپروری مجرم در خارج از زندان و در قالب جایگزین های حبس صورت گیرد، هیچگاه شرکت در کلاس های درمانی و آموزشی به مثابه مجازات تلقی نمی شود؛ بلکه این موارد به منظور مقدمه ای بر مجازات شدن مجرم است. لذا نمی توان به عنوان مجازات مجرم، صرفاً وی را مورد بازپروری قرار داد؛ بلکه بازپروری وی مقدمه ای بر اعمال مجازات های جایگزین های حبس است. در بازپروری مجرم باید به «پیشینه، شخصیت، استعداد، هوش، ارزش ها و مخصوصاً شرایطی که منجر به ارتکاب جرم از سوی وی شده است» باید توجه نمود.^{۲۲}

صرف نظر از این موضوع سند «استانداردهای حداقلی حاکم بر اقدامات جایگزین حبس که نتیجه شصت و هشتمین نشست تخصصی در این زمینه که در شهر توکیو برگزار شد و در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ به صورت قطعنامه ای به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است از اسناد مهم و قابل بررسی راجع به مجازات های جایگزین حبس است.^{۲۳} این سند شامل مطالبی مهم است:

۱. تشویق به افزایش استفاده از اقدامات جایگزین حبس به همراه تضمین حقوق افرادی که مشمول این گونه مجازات ها هستند.
۲. مشارکت و درگیری جامعه در فرآیند اقدامات جایگزین حبس مخصوصاً درمان مجرمین.
۳. افزایش حس پذیرش مسئولیت مجرمین در قبال جامعه.
۴. لزوم به کارگیری قواعد حاکم بر اقدامات جایگزین حبس با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر کشور و اهداف عینی حاکم بر نظام عدالت کیفری آن کشور.
۵. لزوم ایجاد توازن بین حقوق مجرمین، حقوق بزه دیدگان و نگرانی های مربوط به

22. offender's background, personality, aptitude, intelligence, values and, especially, the circumstances leading to the commission of the offence.

23. General Assembly resolution 45/110, annex.



- ایمنی جامعه و پیشگیری از جرم.
۶. عقلانی سازی سیاست های نظام عدالت کیفری بر اساس حقوق انسانی مجرمین، اقتضائات مربوط به عدالت اجتماعی و نیازهای بازپروری مجرمین.
۷. لزوم مقارنه افزایش مجازات های جایگزین حبس با کاهش مجازات حبس.
۸. اصل فراگیر بودن اقدامات جایگزین حبس (اقدامات جایگزین حبس باید برای همه افراد در همه مراحل قبل از محاکمه، حین محاکمه و اجرای حکم و در همه سطوح مدیریت دستگاه عدالت کیفری دنبال شود).
۹. اصل عدم تبعیض در به کارگیری اقدامات جایگزین حبس.
۱۰. حاکم بودن اصل انعطاف بر اقدامات جایگزین حبس.
۱۱. اصل نظارت و ارزیابی مستمر اقدامات جایگزین حبس.
۱۲. حاکم بودن اصل مداخله حداقلی در به کارگیری مجازات های جایگزین حبس.
۱۳. در نظر گرفتن مجازات های جایگزین حبس به عنوان بخشی از جنبش کیفرزادی و جرم زدایی.
۱۴. حاکم بودن اصل حاکمیت قانون بر اقدامات جایگزین حبس.
۱۵. لزوم تعریف و ایجاد شاخص هایی برای اعمال مجازات های جایگزین حبس با توجه به «طبیعت و شدت جرم»، «شخصیت و سابقه مجرم»، «اهداف مجازات ها» و «حقوق بزه دیدگان».
۱۶. موافقت کامل مجرم با اقدامات جایگزین حبسی که همراه با ایجاد تعهد برای وی است.
۱۷. توجه به حفظ کرامت انسانی مجرمین مشمول اقدامات جایگزین حبس.
۱۸. لزوم احترام به حق بر حریم خصوصی مجرمین و خانواده ایشان.
۱۹. اصل محرمانه بودن سوابق شخصیتی مجرمین.
۲۰. اصل حداقلی بودن دسترسی به سوابق شخصیتی مجرمین.
۲۱. اعطای اختیارات بیشتر به مقامات پلیسی و تعقیبی جهت رفع تعقیب و توقیف مجرمین.
۲۲. ایجاد مساعدت های روانشناختی، اجتماعی و مالی به مجرمین برای تقویت ارتباط آنان با جامعه یا تسهیل روند بازاجتماعی شدن ایشان.
۲۳. توجه به نیازهای جامعه، مجرم و بزه دیده جهت تعیین شرایط و نوع اقدامات جایگزین حبس.
۲۴. توجه به دقیق و عملیاتی بودن شرایط اقدامات جایگزین حبس.

۲۵. هدف گذاری کاهش احتمال تکرار جرم و افزایش شانس مجرمین برای بازاجتماعی شدن، برای مجازاتهای جایگزین حبس.
۲۶. حق آگاهی مجرم نسبت به حقوق و تعهدات خود در ابتدای فرآیند مجازات های جایگزین حبس.
۲۷. حق بر درمان مطلوب (درمان توسط متخصصینی که دارای تجربه عملیاتی و دانش مناسب هستند).
۲۸. در نظر گرفتن سابقه، شخصیت، استعداد، هوش، ارزش ها و مخصوصاً شرایطی که منجر به ارتکاب جرم از سوی وی شده است.
۲۹. حق بر اعتراض یا تجدیدنظرخواهی نسبت به ابطال یا اصلاح مجازات جایگزین حبس نامتناسب.
۳۰. عدم ملازمه بین کارآمد نبودن مجازات های جایگزین حبس و ضرورت اجرای مجازات حبس.
۳۱. حق غیرمستقیم مجرمین نسبت به تهیه شرایط مطلوب خدمات رسانی برای کارکنان اعم از حقوق و مزایای کافی.
۳۲. حق غیرمستقیم مجرمین نسبت به آشنایی کامل پرسنل با ماهیت، فرآیند و اهداف مجازات های جایگزین حبس.
۳۳. تشویق مشارکت مردم به درگیر شدن در فرآیند اقدامات جایگزین حبس.
۳۴. تلاش برای فهم و همکاری همگانی در نیل به اهداف حداکثری اقدامات جایگزین حبس.^{۲۴}
۳۵. حق غیرمستقیم مجرمین نسبت به انجام پژوهش های لازم جهت بهبود فرآیند اقدامات جایگزین حبس.
۳۶. ارزیابی منظم اثربخشی کیفیهای جایگزین حبس.
۳۷. بازبینی دوره ای اهداف، کارکرد و اثربخشی اقدامات جایگزین حبس.
- استانداردها و هنجارهایی نیز از سوی سازمان ملل در خصوص کیفیهای جایگزین حبس مقرر گردیده است. بند ۱۲ سند «توکیو» در خصوص شرایط اعمال کیفیهای جایگزین حبس در ۴ جزء به بیان مقرراتی می پردازد: «در صورتی که مقامات صلاحیت دار برای اجرای اقدامات جایگزین حبس شرایطی را تعیین می کنند که باید از سوی مجرم رعایت گردد، در تعیین این شرایط باید نیازهای جامعه و حقوق بزه دیده

۲۴. لازم است تا کنفرانس ها، سمینارها، سمپوزیوم ها و دیگر فعالیت هایی که در جهت تشویق و ترغیب و آگاه سازی نسبت به لزوم مشارکت عمومی در به کارگیری اقدامات غیر سالب آزادی، نقش دارند، برگزار شود (article 18.3).



و مجرم دیده شود. شرایط مذکور باید عملیاتی،^{۲۵} دقیق^{۲۶} و حداقلی^{۲۷} باشد و هدف آن کاهش احتمال بازگشت مجرم به سمت ارتکاب جرم و افزایش احتمال بازاجتماعی شدن وی، با در نظر گرفتن نیازهای بزه دیده، باشد.

الف- مقصود از «شرایط اجرای جایگزین های حبس»، شرایطی است که لازمه اجرای کامل چنین مجازات هایی است. این شرایط می تواند شامل شرایط سلبی (عدم انجام کارهایی که بر مجرم ممنوع است) و ایجابی (انجام کارهایی که جزء تعهدات مجرم به شمار می آید) باشد. برخی از این شرایط لزوماً در متن قانون ذکر نشده است؛ بلکه اختیارات آن به موجب آیین نامه، به مجریان واگذار گردیده است. به عنوان مثال؛ اگر مجازات جایگزین حبس در قالب «خدمات عمومی رایگان» باشد؛ در انتخاب نوع خدمات، میزان، ساعات و روزهای آن باید به نیازهای جامعه و حقوق بزه دیده و مجرم توجه داشت. در این راستا، باید توجه نمود که به بهانه تأمین نیازهای جامعه، حقوق بزه دیده یا مجرم نادیده گرفته نشود یا با توجیه صیانت از حقوق مجرم و بزه دیده از نیازهای جامعه غفلت نشود. بهترین حالت ممکن این است که هر سه فاکتو فوق، به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد. لیکن در مواردی که بزه دیده مشخص وجود

۲۵. منظور از عملیاتی بودن شرط، ممکن و میسر بودن آن برای مجرم است. مجرم باید بتواند با توجه شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی و توانایی های مهارتی و علمی خود موفق به انجام راحت وظیفه محوله بشود. بنابراین شرایط نباید حاوی رنج اضافه تر یا خطر بالقوه برای مجرم باشد. اعمال مجازات هایی که مستلزم انجام خدماتی است که از عهده مجرم بیرون بوده یا وی را دچار سختی ها و مشقت های فراوانی می کند، می تواند منجر به نقض حقوق وی شود. در صورتی که انجام یک وظیفه معین از توانایی مجرم بیرون باشد و آن وظیفه برای بازپروری وی ضرورت داشته باشد، باید مهارت های لازم را ابتدا در مجرم به وجود آورد.

۲۶. دقیق بودن یکی از شرایط جایگزین های حبس است. اصولاً «ابهام در کیفردهی» یکی از مهم ترین منابع تضییع حقوق بزهدار محسوب می شود. همانگونه که در فصل پیشین نیز مورد اشاره قرار خواهد گرفت، تکلیف به «رفع ابهام» از ابتدایی ترین مراحل تعقیب مجرم تا انتهای ترین مراحل اجرای مجازات، بر عهده دستگاه عدالت کیفری است. متعاقباً برای مجرم نیز این حق به وجود خواهد که به صورت مبهم یا غیرشفاف مجازات نشود. در اینجا نیز مجرم باید به طور کامل از شرایط اعمال جایگزین های حبس اطلاع یابد، لازمه آن دقیق بودن شرایط مذکور است. مقصود از دقیق بودن شرایط نیز روشن و شفاف بودن آن از حیث میزان، کیفیت و دوام است. به معنای نمونه اگر مجازات جایگزین حبس در قالب حبس خانگی باشد، مجرم باید از تعداد روزها و ماه هایی که وی باید در خانه محبوس باشد مطلع باشد. چند روز یک بار حق خروج از خانه را دارد؟ در موقع خروج از خانه از ورود یا رفت و آمد به کدام مکان هایی ممنوع است؟ اسامی دقیق مکان های ممنوعه چیست؟ در داخل خانه وی ملزم به انجام چه کارهایی است؟ همچنین مجرم باید اطلاعات مربوط به حقوق و تعهدات دقیق خود را در ابتدای شروع فرآیند جایگزین های حبس دریافت دارد. مقصود از همه آنچه که در اعمال جایگزین های حبس، به عنوان وظیفه مجرم تلقی می شود، حقوق مجرم نیز تمام حقوقی که یک مجرم در مقام تحمل کیفر دارد از قبیل، «حق بر برخورداری از مشاوره حقوقی»، «حق بر اعتراض و استیناف»، «حق بر درخواست جبران غرامت ناشی از اعمال مجازات های نامتناسب»، «حق بر محرمانه بودن زندگی شخصی مجرم در فرآیند اعمال مجازات»، «حق بر برخورداری از کرامت انسانی در زمان تحمل مجازات» و غیره را شامل می شود.

۲۷. سومین اصل در تعیین شرایط جایگزین های حبس، اصل «حداقلی بودن» است. شرایط مذکور در فوق، هر چند عملیاتی و دقیق، نباید زیاد باشد؛ زیرا تعیین شرایط زیاد برای مجرم خود به منزله تشدید مجازات وی یا اعمال مجازات اضافه تلقی می شود. به مثال فوق، شرایط حبس خانگی نباید آنقدر زیاد باشد که منجر به محدودیت های زیاد در زندگی روزمره مجرم شود. از سویی تعیین شرایط زیاد برای اعمال جایگزین های حبس ممکن است منجر به نقض کرامت انسانی مجرم شود.



ندارد یا امکان جمع بین منافع بزه دیده با منافع عمومی وجود ندارد یا جمع بین منافع بین حقوق بزه دیده و نیازهای جامعه منجر به نقض حقوق مجرم خواهد شد، باید چگونه تصمیم گیری نمود؟ رویکرد حقوق بشری اقتضاء می کند که در وهله اول و در مقام مقایسه بین حقوق بزه دیده و بزهکار، به حقوق مجرم توجه بیشتری نمود و آن را در هر حالتی موردصیانت قرار داد؛ زیرا در مقام اعمال مجازات مجرم اولاً در جایگاه ضعیف تر و پایین تری قرار دارد و ثانیاً توجه زیاد به حقوق بزه دیده ممکن است منجر به تحمیل تکالیف سنگین به مجرم شود. یکی از مهم ترین تمهیدات برای صیانت از حقوق مجرم، «اختیاری بودن» مجازات هایی است که همراه با ایجاد تعهد برای مجرم به همراه است. در بسیاری از موارد تراحم خاصی بین حقوق بزه دیده و مجرم به وجود نخواهد آمد؛ زیرا جبران خسارت ناشی از جرم که بر بزه دیده تحمیل شده است منجر به ترضی حقوق بزه دیده شده است و عامل آن بزهکار بوده است. الزام بزهکار به جبران خسارات ناشی از فعل خود، امری کاملاً اخلاقی است. صرفاً در مواردی که امکان و توانایی جبران خسارت بزه دیده از سوی بزهکار وجود ندارد یا جبران خسارت از سوی وی منجر به نقض کرامت انسانی او شود، باید به دنبال راه حل جایگزین بود.

بیشترین تراحم ممکن، بین حقوق بزه دیده و منافع جامعه رخ خواهد داد. در این موارد، حقوق بزه دیده مقدم است و پس از آن باید منافع جامعه را مورد توجه قرار داد؛ زیرا اولاً متضرر واقعی، مستقیم و حداکثری از جرم اوست و ثانیاً با جبران خسارت از بزه دیده، منافع جامعه نیز تا حدودی تأمین می شود. به عنوان مثال اگر مجرم با ارتکاب جرم موجب خسارت معنوی به بزه دیده شده است، خدمات عمومی رایگان نمی تواند مجازات متناسب و مطلوبی برای مجرم باشد. در خصوص شرایط اعمال مجازات نیز همین نکات باید مورد نظر قرار گیرد. به عنوان نمونه مجبور نمودن مجرم به رنگ آمیزی جدول معابر در شب ها، مقرر نمودن خدمت در خانه بزه دیده برای مدتی طولانی یا مصادره بخش کمی از اموال بزهکار، می توان حسب مورد به نقض حقوق بزهکار، بزه دیده و جامعه شود.

«کیفرهای جایگزین حبس نباید موجب درگیر شدن مجرمین در درمان های پزشکی یا روانپزشکی شود یا ریسک آسیب جسمی یا ذهنی را برای آنان به وجود آورد»، «اصل اعمال کیفر به مقدار ضرورت»، «اصل هدفمند بودن کیفر» و «اصل اخلاقی بودن کیفر» نیز پشتوانه این رویکرد است.

در اسلام نیز، وجود خطرهای جسمی بالقوه یا بالفعل می تواند اعمال برخی کیفرهای حدی را که هدف آن اعدام مجرم نیست را به تأخیر انداخته یا موضوعیت آن را به طور



کلی از بین ببرد. این خطر ممکن است برای شخص مجرم یا شخص ثالث باشد. اعمال کیفر حدی در شرایط آب و هوایی نامطلوب (سرد یا گرم)، اعمال کیفر بر شخص بیمار یا زن حامله جایز نبوده و اگر منجر به آسیب بیشتری غیر از آنچه مقصود از اجرای کیفر بوده بشود، مستلزم ضمان است.

از دیگر شروط مندرج در اسناد بین المللی باید به جزء ۲ بند ۱۱ سند «توکیو» اشاره کرد که مقرر نموده مدت زمان مجازات های جایگزین حبس باید دارای پایان زود هنگام باشد تا مجرمین نسبت به آن پاسخ مطلوب داده باشند.^{۲۸} مبنای بند فوق اصل «هدفمند بودن کیفر» است که به مجازات جایگزین حبس نیز قابل تسری است. طبق اصل مذکور، مجازات ها تا زمانی ضرورت دارند که هدف مجازات، حاصل نشده باشد. با حاصل شدن هدف مجازات، اعمال مجازات اضافه بر مجرم، عملی بدون هدف و توجیه تلقی می شود. از منظر تحلیل حقوق بشری نیز این اصل از پشتوانه محکمی برخوردار است؛ زیرا مجازات ها که دربردارنده محدودیت و محرومیت برای مجرم است، نیازمند توجیه محکمی است. این توجیه نیز «جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم از طریق بازپروری یا بازدارندگی او برای صیانت از حقوق جامعه و بزه دیده» است. زمانی که امکان ارتکاب مجدد جرم از سوی مجرم وجود داشته باشد، حق بر آزادی وی با حق آزادی دیگران (جامعه) تزاخم پیدا می کند. مجرم حق ندارد آزادی خود را به گونه ای اعمال نماید که آزادی دیگران از بین برود. بنابراین سلب آزادی مجرم برای صیانت از آزادی دیگران ضرورت پیدا می کند. لیکن این ضرورت تا زمانی است که مجرم مورد بازدارندگی یا بازپروری قرار نگرفته باشد. با تحقق هدف مذکور، خطر مجرم برای جامعه از بین رفته و توجیهی برای ادامه مجازات وجود ندارد.

از دیگر موارد قابل توجه جزء ۱ بند ۸ سند «توکیو» است که چنین اشعار می دارد: «مقامات قضایی که اختیار انتخاب طیف های مجازات های جایگزین حبس را دارند، باید در تصمیم خود نیازهای بازپرورانه مجرم، صیانت از جامعه و منافع بزه دیده را در نظر بگیرند».^{۲۹}

طبق بند فوق، تصمیم به اینکه کدامیک از اقدامات جایگزین حبس برای مجرم مناسب تر است باید بر اساس ۳ فاکتور، نیاز بازپروری مجرم، صیانت از جامعه و منافع

28 . Provision may be made for early termination of the measure if the offender has responded favourably to it.

29 . The judicial authority, having at its disposal a range of non-custodial measures, should take into consideration in making its decision the rehabilitative needs of the offender, the protection of society and the interests of the victim, who should be consulted whenever appropriate.

بزه دیده باشد. اما اینکه آیا همواره سه فاکتور مذکور باید در کنار یکدیگر جمع شوند یا خیر؟ و در صورت عدم امکان تجمیع سه فاکتور فوق، اولویت با کدام است؟ بند فوق اشاره ای نکرده است؛ لیکن جزء ۲ بند ۱۱ سند مذکور، تأکید می کند در هنگام انتخاب اشکال مختلف جایگزین های حبس باید به معیار «صیانت از جامعه» و «حقوق بزه دیده و بزهکار» توجه شود.

با این وجود، نگاهی گذرا به اشکال مختلف کیفرهای جایگزین حبس که در جزء دوم بند ۸ سند فوق، ذکر شده است امکان پاسخ به پرسش فوق راحت تر است. طبق این بند کیفرهایی. که به عنوان جایگزین حبس استفاده می شوند می توانند موارد زیر باشند:

* مجازات های لفظی مانند تذکر، سرزنش و اخطار.^{۳۰}

* تبرئه مشروط.^{۳۱}

* مجازاتهای مربوط به منزلت اجتماعی.^{۳۲}

* مجازاتهای اقتصادی و مالی مانند جریمه.^{۳۳}

* مصادره یا قرارهای مربوط به سلب مالکیت.^{۳۴}

* اعاده یا قرارهای مربوط به جبران خسارت بزه دیدگان.^{۳۵}

* صدور احکام معلق یا معوق.^{۳۶}

* آزادی مشروط و قرار نظارت قضایی.^{۳۷}

* صدور قرار خدمات اجتماعی.

* حبس خانگی.^{۳۸}

* برخی ترکیب ها از مجازاتهای ذکر شده در فوق.^{۳۹}

همان گونه که مشخص است، همه اشکال ۱۱ گانه فوق، قابلیت تبیین به وسیله هر سه فاکتور فوق را ندارند. در مجازاتهای لفظی چون تذکر و توبیخ معیار اصلی در انتخاب این مجازات، معیار «بازپروری مجرم» است. دو فاکتور دیگر در تعیین این مجازات جایگاهی ندارند. در مجازات تبرئه مشروط نیز، معیار انتخاب «بازپروری مجرم» است. مجازاتهای

30. Verbal sanctions, such as admonition, reprimand and warning.

31. Conditional discharge.

32. Status penalties.

33. Economic sanctions and monetary penalties, such as fines.

34. Confiscation or an expropriation order.

35. Restitution to the victim or a compensation order.

36. Suspended or deferred sentence.

37. Probation and judicial supervision.

38. House arrest.

39. Some combination of the measures listed above.



مربوط به منزلت اجتماعی با معیار «صیانت از جامعه» تعیین می شود. نمونه بارز این مجازات‌ها، تنبیه‌های انضباطی یا انفصال دائم و موقت از خدمت در مشاغل دولتی است.

نکته‌ای که در این باره باید به آن توجه داشت این است که هدف «صیانت از جامعه» نباید با نقض یا نفي هدف «بازپروری مجرم» تأمین شود. در مجازات‌های مربوط به منزلت اجتماعی، فرض بر این است که بازپروری مجرم با تحمل مجازات، تحت الشعاع قرار نمی‌گیرد؛ زیرا در این گونه مجازات‌ها، معمولاً مجرمین از طبقات بالا و «منزلت دار» جامعه بوده و جرمی که به واسطه آن به مجازات فوق محکوم شده است، به واسطه جایگاه شغلی یا به سبب آن بوده است. بنابراین، محروم شدن مجرم از شغل یا منصبی خاص باعث ارتکاب جرایم خیابانی از سوی مجرم نخواهد شد.

در فرضی که از یک سو بازپروری مجرم تحت تأثیر مجازات‌های مربوط به منزلت اجتماعی قرار گیرد و از سوی دیگر اعمال چنین مجازات‌هایی برای صیانت از جامعه قاضی ضروری باشد، می‌تواند شکل دیگری از مجازات‌های جایگزین حبس را برای تکمیل یا جبران کارکرد مجازات مربوط به منزلت اجتماعی، به آن ضمیمه نماید. مجازات‌های «اقتصادی و مالی» مانند جریمه‌های مالی از جمله جایگزین‌های است که ملاک تعیین آن می‌تواند یکی از دو فاکتور «صیانت از جامعه» یا «بازپروری مجرم» باشد؛ لیکن معیار «منافع بزه دیده» در این مجازات جایگاهی ندارد. هدف صیانت از جامعه با تنبیه مجرم به خاطر ضرر اقتصادی ناشی از پرداخت جریمه محقق خواهد شد. لیکن بازپروری مجرم از طریق پرداخت جریمه زمانی قابل درک است که کارکرد مجازات‌ها را «ایجاد تنبیه و هشدار» در مجرم و یادآوری وی نسبت به قباحت فعل مجرمانه از طریق سلب یا محرومیت از آن چیزی است که وی به دنبال آن، از طریق ارتکاب جرم بوده است. «مصادره یا قرارهای مربوط به سلب مالکیت» نیز مجازات‌هایی که صرفاً در آن هدف «صیانت از جامعه» مطرح است؛ زیرا فرض بر آن است تا زمانی که فرد مالک یا متصرف موضوع جرم باشد، امکان ارتکاب جرایم بیشتر از سوی خواهد بود و چاره‌ای جز سلب مالیکت وی از آن وجود ندارد. قرارهای مربوط به مصادره یا سلب مالکیت در موارد گوناگونی دیگری قابل تصور است؛ از جمله این موارد، مصادره وسایل و ابزار ارتکاب جرم، مصادره منافع و عواید ناشی از جرم و اموالی است که در ازای جریمه نقدی یا جبران خسارت بزه دیدگان مصادره می‌شود.

قرارهای «مربوط به جبران خسارت بزه دیدگان»، از جمله قرارهایی است که هدف صرفاً اصلی آن «صیانت از منافع بزه دیدگان» است. این قرارها ممکن است به شکل



«انجام کار معین»، «فروش مال یا منافع معین» برای جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده، صورت گیرد. صدور چنین قرارهایی منوط به محاسبه دقیق میزان خسارت وارده بر بزه دیده است. اعمال مجازات های نقدی همراه با قرارهای مربوط به جبران خسارت بزه دیده، امری معمول در نظام های کیفری است.

صدور احکام تعویقی و تعلیقی نیز شکل دیگر مجازات های جایگزین حبس است که معیار اصلی در انتخاب آن، هدف بازپروری مجرم است. در اینگونه موارد، صدور حکم یا اعمال مجازات اصلی برای مدت معین به تعلیق خواهد افتاد. در این دوره، مجرم موظف به رعایت مواردی (اعم از سلب و ایجابی) زیر نظر دادستان یا نماینده او است. با اتمام این دوره، در صورتی که مجرم همه مواردی که ملزم به رعایت آن بوده است را انجام داده باشد، مجازات اصلی لغو و حسب مورد قرار «حذف از پیشینه کیفری» یا «بایگانی نمودن پرونده» صادر خواهد شد. لیکن در صورتی که مجرم، موارد مقرر را رعایت نکند، قرار تعلیقی یا تعویقی حذف و پرونده برای صدور حکم یا اجرای مجازات اصلی به دادگاه ارجاع داده خواهد شد. ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تخلف از وظایف پیش بینی شده توسط مجرم در دوره مجازات های جایگزین حبس را برای بار اول مستوجب افزایش دوره مراقبت و نظارت را از یک چهارم تا یک دوم دوره تعیین شده توسط دادگاه می داند و در مرتبه دوم، مجازات حبس اجرا خواهد شد.^{۴۰}

آزادی مشروط و قرار نظارت قضایی نیز از دیگر اقدامات جایگزین حبس است که مجرم پس از تحمل مدتی از حبس، به شرط عمل به تعهداتی معین در مدت زمانی که دادگاه مشخص می نماید، از تحمل بقیه دوره محکومیت خود معاف خواهد شد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آزادی مشروط در زمره مجازات های جایگزین حبس به شمار نیامده و خودعنوانی مستقل است. همچنین قرارهای مربوط به خدمات اجتماعی یا خدمات عمومی رایگان نیز شکل دیگری از مجازاتهای جایگزین حبس است.

در قانون مجازات اسلامی مجازات هایی چون مصادره و سلب مالکیت اساساً در زمره مجازاتهای اصلی تعزیری به شمار می آیند. مجازاتهای نقدی ممکن است حسب مورد، در زمره مجازات های اصلی یا جایگزین حبس به شمار آید. مجازات هایی چون حبس خانگی اساساً در مقررات کیفری ایران به عنوان مجازات اصلی یا جایگزین حبس، مورد

۴۰. ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده میشود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می گردد».



کیفرگذاری قرار نگرفته اند.

در مقررات داخلی ایران توبیخ کتبی یا شفاهی در زمره تنبیه های انضباطی است و نه مجازات های جایگزین حبس. قرارهای مربوط به تعلیق یا تعویق صدور حکم و آزادی مشروط نیز خود عناوینی مجزا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ محسوب می شود و در زمره مجازات های جایگزین حبس به شمار نمی آید. قرارهای مربوط به جبران خسارت بزه دیده نیز اساساً ماهیت مجازات گونه نداشته و به عنوان فرض تلقی می شود که مجرم ملزم به آن است. صرفاً خدمات عمومی رایگان است که در قانون مجازات اسلامی همانند اسناد بین المللی، به عنوان مجازات های جایگزین پذیرفته شده است.



نتیجه گیری

با توجه به بررسی اسناد بین المللی و شناسایی برخی استانداردها می توان ادعا نمود که اسناد بین المللی در تحول کیفر حبس و همچنین گرایش قانونگذار به جایگزین های حبس مؤثر بوده اند که البته این به معنی عدم تأثیر گذاری سایر عوامل همچون علل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... نیست. لذا راهبردها و استانداردهای مرتبط به کیفر حبس و جایگزین حبس بر این اساس از اسناد استخراج و معرفی گردیده و بررسی مواد قانون مجازات اسلامی در این باب دلالت بر این امر دارد که راهبردهای مذکور می تواند زمینه اصلاح و تغییر مواد قانونی مرتبط در این خصوص را نیز فراهم آورد.

اگر چه مجازات های جایگزین حبس محصول دهه سوم پس از انقلاب است و سابقه ای در قوانین پیشین نداشته است و بدون تردید مبانی متعددی در ظهور آن مؤثر بوده است؛ بدون تردید اسناد بین المللی نیز در ظهور مجازات های جایگزین حبس سهم بسزایی داشته است و با توجه به سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۸ و نیز سیاست های کلی برنامه های توسعه در بخش قضایی مصوب ۱۳۹۴ که در خصوص کاهش استفاده از مجازات حبس تصریح نموده است توجه بیش از پیش به کیفرهای جایگزین حبس، لازم و ضروریست و این در حالی است که مجازات های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با ناکارآمدی های متعدد مواجه گردیده است و سیاست حبس زدایی نیز همچنان غیر قابل اجراست؛ لذا بازبینی مواد قانونی و انطباق با استانداردهای بین المللی در خصوص کیفر حبس و جایگزین ها ضروری است.



فهرست منابع

۱. انصاری، باقر، اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران: نشر خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲. امیرارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین الملل حقوق بشر، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۳. جمعی از پژوهشگران، تاریخچه زندان، ترجمه و تحقیق محمدرضا گودرزی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. حاجی ده آبادی، احمد، تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۰.
۵. ریاضت، زینب، مبانی تحول مجازاتهای تعزیری، رساله دکتری، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، ۱۳۹۶.
۶. شمس ناتری، محمدابراهیم، ریاضت، زینب و همکاران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۷.
۷. محبی، جلیل، ریاضت، زینب، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.

8. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment

9. Declaration on the Protection of All Persons from Being Subjected to Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

10. David j. rothman, for the good of all: the progressive tradition in prison reform, history and crime 271 (james a. inciardi and Charles e. faupel eds, 1980

11. Economic and Social Council resolution 1984/47, annex.

12. Economic and Social Council resolution 1999/27, annex.

13. First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Geneva, 22 August-3 September 1955: report prepared by the Secretariat (United Nations publication, Sales No. 1956.IV.4), annex I.A; amended by the Economic and Social Council in its resolution 2076 (LXII) (addition of section E, entitled "Persons arrested or imprisoned without charge").

14. General Assembly resolution 43/173, annex.

15. General Assembly resolution 45/111, annex.

16. General Assembly resolution 45/110, annex.